دو فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات مالی- اسلامی، سال سوم، شماره اول (پیاپی ۵)، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۷-۳٤

چگونگی عدم تحقق معمای خست در جامعهٔ اسلامی از دیدگاه قرآن کریم

امیر خادم علیزاده*
محمد صفری**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰٤/۱٦
تاریخ پذیرش: ۱۳۹٤/۰۲/۰۱

چکیده

یکی از مباحث اقتصاد کلان، معمای خست می‌باشد. کینز در این معما نشان داد که پس‌انداز بیشتر، همواره مفید نیست. یعنی در شرایط رکودی (کمتر از رشد بالقوه) و با فرض تبعیت سرمایه‌گذاری از درآمد ملی، پس‌انداز بیشتر موجب پس‌انداز حتی کمتر از مقدار اولیه آن می‌شود. از سوی دیگر آموزه‌های اسلامی، مسلمانان را از زیاده‌روی در مصرف بر حذر می‌دارد و تأکید بر قناعت دارد. بدین ترتیب به‌طور بالقوه این شبهه ضد اسلام وجود دارد که آموزه‌های اسلامی با دعوت مسلمانان به قناعت عملاً جامعه اسلامی را از رشد اقتصادی باز می‌دارد. این مقاله با روش تحقیق تحلیلی- تفسیری به بررسی آموزه‌های قرآنی در زمینه معمای صرفه‌جویی و چگونگی وقوع آن در جامعه قرآنی می‌پردازد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد با تدقیق در مفاهیم اقتصادی پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در اقتصاد متعارف و بررسی رویکرد قرآنی آن، درمی‌یابیم دعوت اسلام به قناعت در سطح فردی منجر به کاهش مصرف در سطح کلان نمی‌شود و در واقع به معنای مصرف قوام یا بهینه و پس‌انداز در مفهومی گسترش‌یافته است. همچنین الگوی قرآنی مصرف قوام به‌عنوان الگوی بهینه تخصیص منابع از طریق انفاق، زکات، خمس، صدقه، قرض‌الحسنه موجب افزایش مصرف دیگران در سطح کلان می‌شود و با سوق دادن صرفه‌جویی‌ها به مصرف دیگران و سرمایه‌گذاری در مفهوم قرآنی و گردش مال در اقتصاد زمینه‌ای برای تحقق معمای خست در جامعه اسلامی باقی نمی‌گذارند.

واژگان کلیدی

مصرف قوام، معمای خست، قرآن، اقتصاد.

طبقه‌بندی JEL: D11, E21, M39, Z12, Z13

---

* استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی aalizadeh@atu.ac.ir

** دانشجوی دکتری معارف اسلامی و مدیریت مالی دانشگاه امام صادق(ع) (نویسنده مسئول) m.safari@isu.ac.ir

مقدمه

تولید و مصرف، دو عنصر مهم در اقتصاد هر جامعه‌ای هستند، به‌طوری‌که نسبت شایسته بین تولید و مصرف در هر اقتصاد یک ضرورت به شمار می‌رود. چنانچه تولید جامعه از مصرف آن بیشتر باشد، جامعه به‌قدر نیاز خود از تولید استفاده می‌کند و مازاد، صرف صادرات و یا سرمایه‌گذاری شده که می‌تواند موجب اقتدار و اعتلای کشور شود. اما سؤالی که در اینجا پدید می‌آید اینکه آیا لزوماً کاهش در مصرف، موجب اعتلای کشور خواهد شد؟ به‌عبارت‌دیگر آیا پرهیز از اسراف و التزام به صرفه‌جویی در سطح فردی موجب کاهش مصرف در سطح ملی هم خواهد شد؟ آیا مبارزه با اسراف، جلوگیری از ولخرجی و تجمل‌گرایی، چشم و هم‌چشمی‌ها و... در سطح آحاد جامعه منجر به کاهش مصرف و در نتیجه رشد تولید و افزایش درآمد ملی خواهد شد؟

در اقتصاد متعارف، اصل تناقض خست یا معمای صرفه‌جویی پاسخگوی این سؤالات می‌باشد. بنا بر این اصل، چنانچه در سطح آحاد جامعه صرفه‌جویی صورت گیرد در سطح کلان مصرف کم شده و در نتیجه تولید پایین آمده و درآمد ملی کاهش می‌یابد. به‌عبارت‌دیگر کاهش مصرف در سطح فردی نه تنها منجر به افزایش درآمد در سطح کلان نشده بلکه منجر به کاهش رشد اقتصادی نیز می‌گردد. از سوی دیگر آموزه‌های اسلامی و مشخصاً آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام، مسلمانان را از زیاده‌روی در مصرف پرهیز می‌دارند و تأکید بر قناعت دارند. بدین ترتیب به‌طور بالقوه این شبهه ضد اسلام وجود دارد که آموزه‌های اسلامی با دعوت مسلمانان به قناعت عملاً جامعه اسلامی را از رشد اقتصادی باز می‌دارد. آنچه این مقاله بنا دارد بدان بپردازد تبیین این موضوع است که به نظر می‌رسد طرح چنین شبهه‌ای ناشی از عدم شناخت ماهیت اقتصاد با رویکرد قرآنی یا اسلامی باشد. چرا که با تدقیق در مفاهیم اقتصادی پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در اقتصاد متعارف و بررسی رویکرد قرآنی آن، درمی‌یابیم دعوت اسلام به قناعت در سطح فردی نه تنها منجر به کاهش مصرف در سطح کلان نمی‌شود که در واقع به معنای مصرف قوام یا بهینه و پس‌انداز در مفهومی گسترش‌یافته است چون در اصطلاح اقتصادی تابع مطلوبیت فرد مسلمان، تابعی از سنخ «توابع مطلوبیت نوع‌دوستانه»[1] می‌باشد یعنی مطلوبیت او، تابعی از

مصرف خودش و مصرف دیگران است؛ به‌طوری که افزایش مصرف خودش و مصرف هم‌نوعان بر مطلوبیتش می‌افزاید و کاهش مصرف او چه بسا به معنای افزایش مصرف دیگران باشد. بدین ترتیب هدف از این مقاله، بررسی اصل تناقض خست از منظر آموزه‌های قرآن کریم است. پرسش پژوهش این است که «آیا در جامعه اسلامی، معمای خست در سطح اقتصاد کلان اتفاق می‌افتد؟». که در راستای یافتن پاسخ منطقی و قرآنی برای این پرسش، فرضیه زیر مورد آزمون قرار می‌گیرد. «در چارچوب آموزه‌های قرآن کریم، معمای خست در جامعه اسلامی تحقق نمی‌یابد».

برای پاسخگویی به پرسش پژوهش دو رویکرد کلی وجود دارد؛ در رویکرد اول که بر اساس «هست‌ها» است وضع موجود جامعه و مصرف فعلی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و با بهره‌گیری از نظریه‌های متداول اقتصاد به بررسی مسئله پرداخته می‌شود. به‌عبارت‌دیگر رویکرد اول بر مبنای اقتصاد اثباتی[۲] است. اما در رویکرد دوم به «بایدها» پرداخته می‌شود. یعنی ابتدا جامعه آن‌چنان که باید باشد، توصیف می‌شود و سپس راهکارهای رسیدن از وضع فعلی به وضع مطلوب مورد بررسی قرار می‌گیرد. در واقع این رویکرد، همان دیدگاه اقتصاد دستوری[۳] است.

این مقاله با بهره‌گیری از روش تحقیق تحلیلی- توصیفی، مسئله را از هر دو رویکرد بررسی خواهد نمود، اگر چه رویکرد غالب در تحلیل اقتصادی تحقیق برای رفتار مسلمانان در جامعه اسلامی رویکرد دوم یا دیدگاه اقتصاد دستوری می‌باشد. بدین ترتیب مقاله پیش رو ابتدا به مرور ادبیات موضوع می‌پردازد. آنگاه مبانی نظری پژوهش در بخش بعد می‌آید.

مبانی نظری تحقیق را با تأکید بر اقتصاد متعارف مورد مطالعه قرار می‌دهد و سپس با نگاهی به نظام اقتصاد اسلامی و بهره‌گیری از آموزه‌های ارزشمند قرآن کریم، به جستجوی پاسخی مناسب برای معمای صرفه‌جویی خواهد پرداخت.

۲. ادبیات موضوع پژوهش

در حوزه کلان مصرف، سؤال این است که آیا صرفه‌جویی در سطح فردی منجر به صرفه‌جویی در سطح ملی هم خواهد شد یا خیر؟ معمای صرفه‌جویی[۴] یا تناقض

خست، اصلی است که برای نخستین بار، کینز آن را در کتاب معروف نظریه عمومی مطرح می‌کند. این اصل می‌گوید تحت شرایطی کوشش جامعه برای پس‌انداز بیشتر، می‌تواند منجر به کاهش وجوه پس‌انداز شده گردد. این نتیجه در شرایطی حاصل می‌شود که افزایش پس‌انداز، تحرکی در سرمایه‌گذاری ایجاد نکند. بدین ترتیب که پس‌انداز بیشتر، موجب کاهش مصرف شده و در نتیجه، مخارج کل تقلیل می‌یابد (Boyes, Melvin, 2012, p. 217). حال اگر در این وضعیت به دلیل رکود اقتصادی، پس‌انداز بیشتر منجر به افزایش سرمایه‌گذاری نشده و یا افزایش سرمایه‌گذاری را به مقداری کمتر از کاهش مصرف موجب گردد در این صورت تحت هر یک از این دو حالت، مخارج کل کاهش می‌یابد. به‌عبارت‌دیگر افزایش پس‌انداز از یک سو مصرف را کاهش داده و از سوی دیگر به دلیل رکود، سرمایه‌گذاری را به همان میزان افزایش نداده است. این بدان معناست که تقاضا برای کالاها و خدمات تولیدی بنگاه‌ها کاهش یافته و بدین ترتیب تولید یا درآمد ملی تنزل می‌یابد. در این صورت، پس‌انداز ملی که به درآمد ملی وابسته است نیز تقلیل خواهد یافت.

تناقض خست، مصداق بسیار جالب و گویایی از وجود مسئله خطای ترکیب در علم اقتصاد است. یعنی آنچه که برای هر نفر جداگانه خوب است لزوماً همواره برای همگی خوب نیست؟ «در برخی شرایط، تدبیر شخصی ممکن است حماقت اجتماعی باشد» (پل ساموئلسن، ۱۳۷۳، ج۱، ص۲۷۲). بدین ترتیب اگرچه ممکن است افزایش پس‌انداز یک فرد، درآمد و ثروت او را افزایش دهد، اما اگر همگان بیشتر پس‌انداز کنند، لزوماً پیامد آن افزایش درآمد و ثروت جامعه نیست (Branson, 1979, p.40). در ادامه برای فهم بیشتر مطلب، معمای خست و پاسخ‌های اقتصاد کلاسیک تبیین شده و پس از نمایش هندسی آن، شروط لازم برای تحقق تناقض خست برشمرده می‌شود.

۲-۱.تبیین تناقض صرفه‌جویی یا معمای خست در اقتصاد کلان

تناقض صرفه‌جویی بیشتر یک معمای فلسفی است تا حکم اقتصادی، بر طبق این تناقض اگر آحاد جامعه تصمیم بگیرند پس‌اندازشان را افزایش دهند، کافی است از درآمد خود مبلغ کمتری مصرف کنند و به‌این‌ترتیب، پس‌اندازشان افزایش می‌یابد اما

برای کل جامعه همین نتیجه‌گیری را نمی‌توان کرد. زیرا اگر کل جامعه تصمیم به افزایش پس‌انداز خود بگیرد، تابع پس‌انداز به بالا منتقل شده، نقطه تعادل درآمد ملی را در سطح کمتری برقرار خواهد کرد. یعنی حکمی که برای فرد درست است لزوماً برای کل جامعه صادق نیست.[۵]

کلاسیک‌ها پس‌انداز بیشتر را همواره مثبت و مفید می‌دانستند چون با پس‌انداز بیشتر، نرخ بهره کاهش و سرمایه‌گذاری بیشتر شده، شاهد رشد اقتصادی خواهیم بود. نگرانی کلاسیک‌ها این بود که اگر نرخ سود تولید و سرمایه‌گذاری کاهش یابد، پس‌انداز که عمدتاً از سوی سرمایه‌داران صورت می‌گیرد، کمتر و در نتیجه رشد اقتصادی کاهش یابد. اما کینز نشان داد که پس‌انداز بیشتر، همواره مفید نیست. یعنی در شرایط رکودی (کمتر از رشد بالقوه) و با فرض تبعیت سرمایه‌گذاری از درآمد ملی، پس‌انداز بیشتر موجب پس‌انداز کمتر می‌شود. زیرا در شرایط رکودی اگر مردم، پس‌انداز بیشتری داشته باشند، مصرف آن‌ها کاهش و در نتیجه تقاضای کل و نهایتاً تولید و درآمد ملی کاهش می‌یابد و ازآنجاکه پس‌انداز، تابع درآمد ملی است در نتیجه کاهش تولید، منجر به کاهش پس‌انداز حتی کمتر از مقدار اولیه آن می‌شود.

۲-۲.نمایش هندسی معمای پس‌انداز (معمای خست)

در نمودار زیر شرط تعادل درآمد ملی (I=S) در یک الگوی دو بخشی ملاحظه می‌شود که سرمایه‌گذاری تابعی از درآمد ملی است.

شکل شماره (۱). نمایش هندسی معمای پس‌انداز

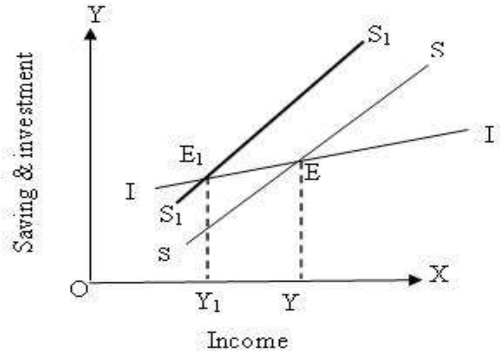

Y سطح درآمد ملی اولیه است که کمتر از درآمد اشتغال کامل می‌باشد و مقدار پس‌انداز E_Y می‌باشد. حال اگر مردم تصمیم به افزایش پس‌انداز خود بگیرند (S به‌طور موازی انتقال یابد یا شیب آن افزایش یابد یا هر دو افزایش یابند) پس‌انداز کل کاهش می‌یابد.

اگر نمودار فقط به بالا انتقال یابد، یعنی عرض از مبدأ S بیشتر شود، به معنای کاهش مصرف مستقل است، همین‌طور افزایش شیب S به معنی کاهش MPC می‌باشد. در نتیجه مقدار پس‌انداز و سرمایه‌گذاری که هر دو تابعی از درآمد ملی هستند در نقطه E_1 با هم برابر بوده و هر دو کاهش یافته‌اند. پس افزایش S، کاهش آن را نتیجه داده است.

۲-۳. دو شرط لازم برای تناقض خست

۱. اقتصاد در شرایط رکودی (قبل از اشتغال کامل) باشد نه تورمی؛ زیرا در شرایط تورمی (پس از اشتغال کامل) افزایش پس‌انداز (مستقل یا شیب یا هر دو)، کاهش تقاضای کل را به دنبال داشته که تورم را (و نه لزوماً درآمد حقیقی را) کاهش می‌دهد. در این صورت چون Y کاهش نمی‌یابد، پس‌انداز که تابعی از آن می‌باشد، کاهش نیافته و تناقض خست، روی نمی‌دهد.

۲. سرمایه‌گذاری تابع درآمد باشد نه مقداری ثابت و برون‌زا؛ چون اگر سرمایه‌گذاری تابعی از درآمد ملی نباشد، یعنی I=I'، با افزایش پس‌انداز مستقل یا MPS یا هر دو، تنها درآمد ملی تعادلی کاهش می‌یابد ولی پس‌انداز و سرمایه‌گذاری ثابت می‌مانند. در نتیجه تناقض خست اتفاق نمی‌افتد.

۲-٤. مروری بر پیشینه علمی موضوع

ازآنجاکه تحقیق پیش رو یک مطالعه میان‌رشته‌ای است، در این بخش دو دسته از مطالعات را مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ ابتدا مطالعات اسلامی با تأکید بر دیدگاه قرآن که در زمینه مصرف صورت گرفته آنگاه مطالعاتی که مشخصاً به اصل تناقض خست پرداخته‌اند:

الف) پژوهش‌هایی که به بحث مصرف در اسلام پرداخته‌اند، برخی بدون توجه به نظریه‌های مصرف در اقتصاد خرد و کلان، به بیان آیه‌ها و روایت‌های اسلامی درباره توصیه‌های مصرفی به‌صورت جزئی مانند توصیه درباره خوراک، بهداشت، مسکن، تفریح و...، بسنده کرده‌اند و برخی نیز ضمن معرفی نظریه‌های مصرف در اقتصاد کلان و الگوهای مبتنی بر آنها، به مقایسه آن‌ها با مصرف در اقتصاد اسلامی که پایبند به ارزش‌هاست پرداخته‌اند. ازآنجاکه رویکرد این مقاله در حوزه روشی متناسب با دسته دوم از تحقیقات مذکور است، در این بخش به اهم پژوهش‌های صورت گرفته در این خصوص اشاره می‌شود.

منونی (۲۰۱۳) در مقاله خود تحت عنوان «مرز تحول در اندازه‌گیری فناوری و شوک‌های پس‌انداز» با بیان اینکه ادبیات موجود در حوزه چرخه حیات کسب‌وکارها عمدتاً یک رابطه خطی میان مصرف و کالاهای سرمایه‌ای فرض می‌کند، با ارائه مدلی اثبات می‌کند که شکل تابع مزبور می‌تواند مقعر باشد. وی مدل ارائه‌شده در تحقیق خود را آزمونی مجدد برای مسئله تناقض خست می‌داند، و چنین نتیجه‌گیری می‌کند که افزایش در پس‌انداز به دلایلی غیر از شوک‌های فنّاوری است که منجر به رکود اقتصادی می‌گردد.

کردن (۲۰۱۲) در مقاله خود تحت عنوان «عدم توازن جهانی و تناقض خست» به تحلیل رابطه میان عدم توازن جهانی و بحران مالی بین‌المللی می‌پردازد. نویسنده عدم توازن‌ها را مرتبط با افزایش پس‌انداز در سطح جهانی می‌داند که منجر به کاهش نرخ‌های بهره جهانی و در نتیجه استقراض بیشتر برای تأمین مالی بخش‌های مصرفی نامعقول همچون جنگ و تسلیحات نظامی بجای تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های زایا و مفید شده است. وی معتقد است عدم سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد اقتصادی بوده که منجر به بحران مالی و نهایتاً کاهش تقاضای کل در سطح جهانی گردیده است. بدین ترتیب نویسنده نتیجه‌گیری می‌کند که چنین وضعیتی منجر به پدید آمدن تناقض خست غیرمستقیم گشته است.

فهیم خان (۱۹۸٤) در مقاله خود تحت عنوان «تابع مصرف کلان در یک چارچوب اسلامی» با تبیین اهمیت میزان مصرف و پس‌انداز در سطح کلان برای رشد ملی، به

مقایسه سطح پس‌انداز کلان در اقتصاد اسلامی و اقتصاد غیر اسلامی پرداخته و چنین نتیجه‌گیری می‌نماید که لزوماً پس‌انداز در یک اقتصاد اسلامی کمتر از اقتصاد غیر اسلامی نیست.

منور اقبال (۱۹۸۵) در مقاله خود تحت عنوان «زکات؛ اعتدال در مصرف کل در یک اقتصاد اسلامی» بحث می‌کند که آیا در صورت پیاده شدن اقتصاد اسلامی در جامعه‌ای، سطح پس‌انداز کاهش خواهد یافت؟ و پایه چنین ادعایی را این استدلال می‌داند که تعلق زکات به پس‌انداز موجب کاهش آن خواهد شد. و چنین نتیجه‌گیری می‌کند که میل نهایی و متوسط به مصرف در اقتصاد اسلامی بیشتر از اقتصاد سکولار می‌باشد. زیرا میل نهایی به مصرف دریافت‌کنندگان زکات بالاتر از میل نهایی به مصرف پرداخت‌کنندگان زکات است. همچنین شاید در نگاه اولیه به اقتصاد اسلامی، تنها افراد فقیر دریافت‌کننده زکات هستند اما با تدقیق بیشتر، می‌توان دریافت که تنها بخشی از زکات را فقیران دریافت می‌کنند و بخشی دیگر به مصارفی از قبیل کارگزاران جمع‌آوری زکات، مؤلفةالقلوب، آزاد نمودن بردگان، درراه‌ماندگان و فی‌سبیل‌الله اختصاص می‌یابد و این‌ها لزوماً فقیر نیستند. پس بخشی از زکات مجدداً به گروه اغنیا یعنی پرداخت‌کنندگان زکات نیز برمی‌گردد. بنابراین با پیاده‌سازی اقتصاد اسلامی، لزوماً سطح پس‌انداز نباید کاهش یابد.

حسینی (۱۳۸۸) در مقاله خود تحت عنوان «الگوی مطلوب مصرف در چارچوب الگوی تخصیص درآمد اسلامی»، با بررسی مبانی اعتقادی، هدف‌ها، موارد، بایدها و نبایدهای الگوی تخصیص درآمد در اسلام، نشان می‌دهد:

اولاً مفهوم کانونی در این الگو انفاق (عام) است که مصرف فقط یکی از موارد آن شمرده می‌شود؛

ثانیاً اتخاذ این مفهوم، به‌جای مصرف، بر مبانی بینشی و ارزشی اسلامی مبتنی است؛

ثالثاً رفتار مطلوب تخصیص درآمدی (به‌ویژه رفتار مصرفی) در چارچوب اسلامی به‌گونه‌ای رقم می‌خورد که رفاه، عدالت اجتماعی و معنویت را در کنار یکدیگر ارتقا می‌بخشد.

سیدی‌نیا (۱۳۸۸) در مقاله خود تحت عنوان «مصرف و مصرف‌گرایی از منظر اسلام و جامعه‌شناسی اقتصادی»، بعد از تبیین آثار مصرف‌گرایی در جامعه، آن را از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بررسی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که مصرف به‌خودی‌خود پدیده‌ای مذموم نیست و اسلام نیز مسلمانان را برای تأمین نیازهای زندگی تشویق می‌کند اما مصرف‌گرایی و هدف قرار دادن مصرف آثار منفی داشته، همسو با مفاهیمی چون اسراف، تبذیر و اتراف بوده و از دید اسلام مذموم شمرده شده است.

ب) مطالعاتی که در خصوص اصل تناقض خست صورت پذیرفته‌اند عمدتاً به‌طور تخصصی به توابع تولید، مصرف و درآمد در سطح کلان پرداخته و رفتار اقتصاد در فروض مختلف را مدل‌سازی نموده‌اند. اهم تحقیقات مزبور عبارت‌اند از:

هوو و رویز رول (۲۰۱۳) در مقاله خود با عنوان «رکودهای ناشی از تناقض خست» ضمن ارائه یک مدل رشد نئوکلاسیک، تأثیر دو نوع شوک بر خانوارها یعنی شوک‌های ثروتی - به معنای تخریب یا خسارت دیدن ثروت- و شوک‌های مالی را که منجر به رکود در سطح جامعه می‌شوند، بررسی نموده‌اند. نویسندگان معتقدند این مدل یک چارچوب نظریه کمی مناسب برای تبیین رکودهای اقتصادی ناشی از تناقض خست مشابه رکود اروپای جنوبی ارائه می‌کند که قادر است رکود را فارغ از شوک‌های فنّاوری نیز تفسیر نماید.

اقبال (۲۰۱۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «رشد فراگیر با زکات» ابتدا با توضیح نقش عرضه در اقتصاد کلاسیک و ناکامی آن در تبیین رکود بزرگ[۶] به تابع مصرف کینزی اشاره می‌کند و در نهایت زکات را به‌عنوان یک سازوکار موفق برای توزیع مجدد درآمد معرفی می‌کند. این مقاله برای نشان دادن نقش زکات در اقتصاد کلان، بهره‌وری اقتصاد را در دو فرض با زکات و بدون زکات، با تأکید بر اصل تناقض خست بررسی می‌کند. نتایج مقاله نشان می‌دهد بهره‌وری نهایی[۷] سرمایه با تمرکز سرمایه نزد تعداد افراد محدود رابطه معکوس دارد.

پل کروگمن (۲۰۰۹)، برنده جایزه نوبل، نیز در یکی از مقالاتش با عنوان «تناقض خست؛ بررسی واقعیت»، با تشریح وضعیت اقتصادی، راه اصلی برون‌رفت از رکود را افزایش مخارج دولت می‌داند. کروگمن، برای تشریح پیشرفت رکود، به نظریه تناقض

خست کینز رجوع می‌نماید و می‌نویسد: «نکته اینجاست که اگر مصرف‌کننده‌ها مخارجشان را کاهش دهند و هیچ بخش دیگری از اقتصاد این کاهش را جبران نکند، اقتصاد دچار رکود خواهد شد و درآمد همه کاهش خواهد یافت و در نهایت پس‌اندازها کاهش می‌یابد. در واقع، ممکن است که کاهش درآمد مصرف‌کننده‌ها بیشتر از کاهش مخارجشان شود، به‌گونه‌ای که تلاششان برای پس‌انداز بیشتر، نتیجه معکوس بدهد؛ این امر تناقض خست نامیده می‌شود». بدین ترتیب کروگمن با تبیین اصل تناقض خست به نکوهش کاهش مخارج توسط مصرف‌کنندگان در اقتصادی که دچار دام نقدینگی شده، می‌پردازد.

کلیفورد اف. ثیز (۱۹۹۶)، در مقاله خود تحت عنوان «تناقض خست» با تبیین نقش مدل‌های ریاضی در علم اقتصاد و ذکر این نکته که در اقتصاد همواره یک بده–بستان[۸] بین «وضوح به دست آمده»[۹] و «واقعیت ازدست‌رفته»[۱۰] در کاربرد مدل‌های ریاضی وجود دارد، اقتصاددانان کینزی را به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهد که آن‌ها توقعی بسیار بالاتر از آنچه ظرفیت مدل‌های اقتصادی ایجاب می‌کند از مدل‌ها دارند و تمرکز خود را در اثبات این مطلب روی مثال عینی از اقتصاد کینزی یعنی اصل تناقض خست قرار می‌دهد. وی در مجموع با به چالش کشیدن روش‌شناختی اقتصاددانان کینزی در اثبات تناقض خست، تناظرهای یک به یک و روابط علی و معلولی میان افزایش پس‌انداز، کاهش تولید و نهایتاً بیکاری را به بوته نقد می‌کشد.

همان‌طور که مشاهده می‌شود اگر چه تحقیقات صورت گرفته پیرامون مصرف در اسلام، هر یک با یک رویکرد خاص اقدام به بررسی مصرف نموده است، اما فصل مشترک تمامی آن‌ها تمرکز بر روی چیستی مصرف از دید اسلام است؛ از سوی دیگر منهای مقاله اقبال که تا حدودی با مقاله حاضر هم جهت است، تحقیقات مربوط به تناقض خست نیز به‌طور تخصصی پیرامون مدل‌سازی مصرف در فروض مختلف صورت پذیرفته است، حال‌آنکه این مقاله در صدد بررسی بایستگی مصرف از دید اسلام می‌باشد. ازاین‌رو به نظر می‌رسد تحقیق پیرامون پاسخگویی به معمای صرفه‌جویی یا اصل تناقض خست از منظر آموزه‌های اسلامی تحقیقی نو و بدیع می‌نماید.

۳. مبانی نظری پژوهش

معمای خست مربوط به وضعیتی است که تمام آحاد جامعه تصمیم بگیرند پس‌اندازهای خود را افزایش دهند که با کاهش مصرف در سطح جامعه همراه شده، در نتیجه تولیدکنندگان به‌سبب کاهش تقاضای کل جامعه، از تولید خود می‌کاهند که پیامد قهری آن، کاهش سرمایه‌گذاری، تولید و درآمد ملی خواهد بود و ازآنجاکه پس‌انداز، تابعی از درآمد می‌باشد، در آینده پس‌انداز جامعه هم کاهش می‌یابد و رکود در انتظار جامعه خواهد بود.

اما عمل به آموزه‌های قرآنی و از جمله نظریه مصرف قوام و اصل انفاق به‌عنوان جزء لاینفک رفتار مصرف‌کننده مسلمان، مانع از تحقق معمای صرفه‌جویی یا خست در جامعه اسلامی می‌شود و دست‌کم ازاین‌جهت، جامعه مسلمان با رکود مواجه نخواهد شد. زیرا آموزه‌های دینی، مسلمان را به مصرف قوام دعوت می‌کند یعنی تقتیر (خست در مصرف) و اسراف و تبذیر (زیاده‌روی و اتلاف در مصرف) را بر او حرام کرده است و انفاق را پس از تأمین مصرف خود و خانواده تحت تکفل او، در مواردی واجب و در سطحی، ترجیح داده است. بنابراین هرگز مجموع مصرف او و دیگران (کل جامعه اسلامی) به حد افراط و تفریط نمی‌رسد تا زمینه‌ای برای تحقق معمای خست در جامعه اسلامی فراهم شود.

۳-۱. نظریه قرآنی مصرف قوام؛ پرهیز از اسراف و تقتیر

قبل از ورود به بحث مصرف در قرآن، ذکر این نکته لازم است که اگرچه ما مسلمانان معتقدیم که قرآن کریم کتاب و راهنمای جامع زندگی بشر است و دربردارنده تمام علوم می‌باشد، اما انتظار اینکه بتوان تمام علوم روز را به همراه نظریه‌ها و مسائل در قرآن یافت، انتظاری دور از واقع است، چرا که شأن قرآن کریم بالاتر از این است که بخواهد وارد مسائل جزئی علوم شود (دنیا، ۲۰۰۷، ص۹). بنابراین در این بخش با مطالعه قرآن به جستجوی خطوط راهنمای اقتصاد اسلامی در حوزه مصرف هستیم.

در آیین اسلام، درآمدهای مشروع و کسب و کار و اموال حلال، جایگاه ویژه‌ای داشته و قرآن مجید آن را مایه قوام و هستی شخص و جامعه و مایه زینت و آرامش در

زندگی این دنیا می‌خواند؛ آنجا که می‌فرماید: «ولا تؤتوا السفهاء اموالکم التی جعل الله لکم قیاما».

با توجه به آیات و روایاتی که در زمینه کسب و درآمد حلال و مشروع آمده است، می‌توان چنین بیان نمود که مال و ثروت نه تنها خوب است بلکه هر مسلمان آگاه وظیفه دارد در کسب و تحصیل آن تلاش کند و خود و جامعه‌اش را در رشد اقتصادی یاری رساند. نظام اقتصادی اسلام هم که توجه به سعادت انسان را هدف اصلی خود می‌داند، استفاده عاقلانه از منابع طبیعی و امکانات خدادادی را در راه نیل به هدف مقدس خویش، مورد تاکید قرار داده است. انسان نیازهایی دارد که با توجه به امکانات موجود به رفع آنها می‌پردازد و برای رسیدن به مقصود خود، در سایه فکر و تدبیر، روش‌های متعددی را به کار می‌گیرد. از دیدگاه قرآن، انسان موجود نیازمندی است که خداوند برای رفع نیازهایش زمین را برای او رام کرده و امکانات و منابع آن را در اختیار وی قرار داده تا مصرف کند. در تفکر اسلامی، کالاها بخشش‌های خداوندی به بشر است. با مرور قرآن کریم مفهوم منحصر به فردی از محصولات و کالاها به دست می‌آید. قرآن به کالاهای مصرفی همیشه با عباراتی اشاره می‌کند که نمودار ارزش‌های اخلاقی و مکتبی است. دو عبارتی که در قرآن دراین‌باره به کار رفته، «الطیبات» و «الرزق» است. بنابراین کالاهای مصرفی عبارت است از مواد قابل مصرف و سودمند که استفاده از آن‌ها به بهبود مادی، اخلاقی و روحی مصرف‌کننده بینجامد. قرآن با مطرح کردن مسئله اسراف و بیان مضرات آن و دعوت به اعتدال و میانه‌روی در تمام امور زندگی، در حقیقت الگوی مصرف قوام را برای زندگی سعادتمندانه به انسان ارائه می‌دهد.

آیات مربوط به مصرف حدود چهل آیه است که با توجه به شمول واژه‌هایی همچون «کلوا» برای مصرف (اعم از مصرف کالاهای نهایی و مصرف نهاده‌های تولیدی) این رقم بیشتر هم خواهد شد. تفسیر موضوعی آیات مربوط به مصرف نشان می‌دهد که خداوند مصرف در سطح فردی و اجتماعی را در چارچوبی همچون تصرف در رزق حلال و طیب و به دور از اسراف و تبذیر می‌خواهد (خادم علیزاده، ۱۳۹۲، صص۱۷۸-۱۸۰).

در این بخش به تبیین اعتدال در همه شئون زندگی و از جمله اعتدال در مصرف و نیز نهی از اسراف و تبذیر به‌عنوان دو اصل اساسی در حوزه مصرف از نگاه قرآنی پرداخته و در بخش بعدی بر الگوی مصرف قوام متمرکز می‌شویم. قرآن کریم در آیات متعدد انسان را دعوت به اعتدال و میانه‌روی می‌کند و او را از افراط و تفریط بر حذر می‌دارد:

«وَ اقْصِدْ فِی مَشْیِکَ...» (لقمان:۱۹) – و در رفتن و رفتار خود میانه‌رو باش.

واژه «اقصد» از ماده «قصد» گرفته شده است. کتاب‌های واژگان زبان عربی و فارسی برای قصد معانی متعددی نوشته‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: رفتن به‌سوی چیزی، عدل، استقامت در راه، بین اسراف و تقتیر، میانه راه رفتن (الصحاح، ج۲، ص٥٢٤، لسان العرب ج۳، ص۳۵۳، مجمع البحرین ج۳، ص۱۲۷). قاموس در ذیل واژه قصد می‌نویسد: این کلمه و مشتقات آن در قرآن به معنی راست و متوسّط و معتدل بکار رفته «قَصَدَ فِی النَّفَقَة: تَوَسطَ بَیْنَ الاسْرافِ وَ التَّقْتیر»:

«لَوْ کانَ عَرَضاً قَرِیباً وَ سَفَراً قاصِداً لَاتَّبَعُوکَ» (توبه:٤٢) – اگر خواسته تو مالی زودرس و سفری متوسّط و آسان بود حتماً از تو پیروی می‌کردند.

«وَ عَلَی اللَّهِ قَصْدُ السَّبِیلِ وَ مِنْها جائِرٌ وَ لَوْ شاءَ لَهَداکُمْ أَجْمَعِینَ» (نحل:۹)– و نمودن راه راست بر عهده خداست، و برخی از آن [راه‌ها] کژ است، و اگر [خدا] می‌خواست مسلماً همه شما را هدایت می‌کرد.

قصد چنانکه گفته‌اند به معنی قاصد است یعنی هدایت به راه راست و متوسط به عهده خداست و بعضی از راه‌ها از حق منحرف‌اند اگر خدا می‌خواست همه شما را اجباراً هدایت می‌کرد. مثل: «إِنَّ عَلَیْنا لَلْهُدی» (اللیل:۱۲). اما در ادبیات تفسیری واژه «قصد» به‌صورت «مقتصده» در آیه «و منهم أمة مقتصدة...» (مائده: ٦٦) به معنای معتدل در عمل و «مقتصد» در آیه «فلمّا نجّاهم إلی البرّ فمنهم مقتصد» (لقمان: ۳۲) به معنای متمایل به طریق مستقیم و یا میانه‌رو در کفر و ظلم (مجمع‌البیان،ج۳، ص۲۲۲؛ همان، ج٤، ص۳۲۳؛ الکشاف، ج۳، ص۵۰۳) و در آیه «فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد...» (فاطر: ۳۵) به معنای میانه‌رو و یا درآمیزنده عمل صالح و ناپسند و به‌صورت «قاصداً»

در آیه «لو کان عرضاً قریباً و سفراً قاصداً لاتّبعوک» (توبه:٤٢) به معنای مسیری آسان و نزدیک (مجمع‌البیان، ج٤، ص٤٠٨؛ الکشاف، ج٣، ص٦١٢؛ مجمع‌البیان، ج٥، ص٣٢) و در سوره لقمان آیه ۱۹ به‌صورت فعل امر «واقصد فی مشیک...» به معنای اعتدال در مشی و به عدل رفتار کردن و یا راه رفتن همراه با طمأنینه به کار رفته است (مجمع البحرین، ج٣، ص١٢٧؛ مجمع‌البیان، ج٤، ص٣١٩). نتیجه آن که از مجموع سخنان واژه‌شناسان و مفسران قرآن درباره مفهوم کاربردهای مختلف واژه «قصد» در قرآن به دست می‌آید، معنای اعتدال در عمل و میانه‌روی در زندگی است که یک مفهوم مشترک و جامع در بین اکثر بلکه تمام این کاربردهاست. در قرآن مجید مسرفان از اصحاب جهنم شمرده شده: «وان المسرفین هم اصحاب النار» (غافر:٤٣)، اسراف‌کنندگان یاران دوزخ‌اند. از نگاه قرآن اسراف با فساد رابطه تنگاتنگ دارد و یک نوع بی‌نظمی در نظام هماهنگ هستی است که با نظم خاص جریان دارد. در سورهٔ شعراء خطر عظیم پیروی از مسرفان بیان شده: «لا تطیعوا امر المسرفین- الذین یفسدون فی الارض و لا یصلحون» (شعراء:۱۵۲-۱۵۳)، از فرمان مسرفان اطاعت نکنید، همان کسانی که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند. منظور از اطاعت مسرفان، تقلید و پیروی کورکورانه از ایشان، در اعمال و روش زندگی است و مراد از مسرفین اشراف و بزرگانی هستند که دیگران آنان را پیروی می‌کنند. اما مسرفان چه کسانی هستند؟ در آیه بعد معرفی شده که مسرفان از مرز حق تجاوز نموده، از حد اعتدال بیرون شده‌اند، در زمین فساد می‌کنند و اصلاح‌گر نیستند (المیزان، ج١٠، ص١٦٦). ازاین‌رو در آیات متعدد تصریح شده که از روش مسرفان پیروی نکنید. قرآن همان‌گونه که اسراف را نکوهش نموده، تبذیر را نیز مذموم دانسته است. تبذیر ریخت‌وپاش و ضایع کردن نعمت‌ها و مواهب الهی در طبیعت است از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن، وسایل حمل و نقل و... خداوند مبذران را برادران شیطان خطاب نموده: «وآت ذالقربی حقه والمسکین وابن السبیل و لاتبذر تبذیرا- ان المبذرین کانوا اخوان الشیاطین و کان الشیطان لربه کفورا (اسراء :٢٦ و ٢٧)، این آیه درباره انفاق به ذوی القربی و مساکین و فقراء نازل شده، ولی با وجود لزوم بذل و بخشش به مستحقان، از تبذیر نهی شده که انسان مال خود را برای خویشاوندان، فقراء و مساکین بیش‌ازحد منطقی و معقول انفاق نکند که اسراف و تبذیر

است. این مورد خصوصیت ندارد، بلکه تبذیر در تمام امور ممنوع بوده و برادری با شیاطین است یعنی تبذیرکنندگان شیطان، و شیطان کفران نعمت‌های پروردگار را کرد، اینها نیز مانند شیطان کفران نعمت‌های خدا را می‌کنند و در غیر مورد نیاز، مصرف می‌کنند.

بدین ترتیب می‌توان گفت، تبذیر و اسراف مال موجب پیدایی نیازهای کاذب و غیرمعقول در جامعه می‌شود و بر توزیع ناعادلانه درآمد و تخصیص صحیح منابع تولید تأثیر منفی می‌گذارد و به رقابت و هم‌چشمی می‌انجامد. این تأثیرات منفی می‌تواند مصالح جامعه را تهدید کند و آن‌ها را به خطر اندازد. در حالی که مصرف واقعی یا ضروری نیازها را تحت کنترل قرار می‌دهد و بر توزیع عادلانه درآمد و تخصیص صحیح منابع تولید اثر مثبت می‌نهد و نظامی طرفدار سعادت انسانی به وجود می‌آورد (بناء رضوی، ۱۳٦۷، ص۲۱٦). در چنین نظامی هر عضو از یک زندگی خوب و نسبتاً راحت بهره‌مند می‌گردد و احساس مسئولیت و ایثار نیازها را محدود می‌کند و رقابت و هم‌چشمی را که غالباً به تخصیص ناصحیح و اتلاف منابع طبیعی می‌انجامد، ریشه‌کن می‌سازد.

۳-۲. مصرف قوام؛ الگوی تخصیص بهینه منابع در قرآن

آیات قرآن و فرهنگ روایی به‌سبب تخصیص بهینه منابع و جلوگیری از مصرف غیربهینه منابع برای خانوارها و به کارگیری نهاده‌های تولید از سوی بنگاه‌ها بر مصرف قوام تصریح کرده‌اند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

وَالَّذِينَ إِذَا أَنفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (فرقان، آیه٦۷)- و کسانی‌اند که چون انفاق و هزینه کنند، نه زیاده‌روی می‌کنند و نه خسّت می‌ورزند، و میان این دو به راه اعتدال باشند.

کلمه قوام در آیه به معنای حد وسط و معتدل است. یعنی بندگان رحمان انفاق می‌کنند و انفاقشان همواره در حد وسط و میان اسراف و اقتار است. صدر آیه دو طرف افراط و تفریط در انفاق را نفی کرده و ذیل آن حد وسط را اثبات نموده است (تفسیر المیزان، ج۱۵، ص۳۳۲).

به باور پاره‌ای «اسراف» به مفهوم هزینه کردن مال و ثروت در راه گناه و نافرمانی خداست، و واژه «اقتار» به معنای خودداری از هزینه درست و شایسته در راه حق و عدالت است. با این بیان تفسیر آیه این است که: بندگان خاصّ خدا کسانی هستند که دارایی و ثروت خود را نه در راه گناه و بیداد مصرف می‌کنند و نه از هزینه آن در راه حق و عدالت خودداری می‌ورزند بلکه آن را در راه حق هزینه می‌نمایند. و پاره‌ای بر آن‌اند که، واژه «اسراف» به مفهوم زیاده‌روی، و «اقتار» به معنای خودداری از ادای حق خداست که در این صورت تفسیر آیه این است که: و بندگان خاص خدا، کسانی هستند که در هزینه کردن مال خود، نه زیاده‌روی می‌کنند و نه سخت‌گیری بلکه به‌طور درست و بجا هزینه می‌نمایند و از آن بهره می‌برند (مجمع‌البیان، ج ٤، ص۲۵۷).

«انفاق» یعنی بخشش و صرف مال در جهت رفع حوائج خود و دیگران. «اسراف» یعنی بیرون شدن از حد و زیادروی. و «قتر» یعنی کوتاهی و تفریط در امر انفاق و «قوام» یعنی حد وسط و معتدل می‌فرماید: بندگان خدای رحمان کسانی هستند که وقتی انفاق می‌کنند همیشه حد وسط را نگه می‌دارند و به‌جانب افراط یا تفریط متمایل نمی‌شوند. و در حدیث از رسول خدا(ص) نقل شده که: هر کس بدون حق و بی‌حساب ببخشد، اسراف کرده و هر کس بدون حق و بی‌دلیل بخل بورزد، اقتار و تفریط نموده است (اطیب البیان، ج۱، ص۷۸).

در تفسیر اسراف و اقتار که نقطه مقابل یکدیگرند مفسران سخنان گوناگونی دارند که روح همه به یک امر باز می‌گردد و آن اینکه اسراف آن است که بیش از حد و در غیرحق و بی‌جا مصرف گردد، و اقتار آن است که کمتر از حق و مقدار لازم بوده باشد. در یکی از روایات اسلامی تشبیه جالبی برای اسراف و اقتار و حد اعتدال شده است و آن اینکه هنگامی که امام صادق(ع) این آیه را تلاوت فرمود مشتی سنگریزه از زمین برداشت و محکم در دست گرفت، و فرمود این همان اقتار و سخت‌گیری است سپس مشت دیگری برداشت و چنان دست خود را گشود که همه آن به روی زمین ریخت و فرمود این اسراف است، بار سوم مشت دیگری برداشت و کمی دست خود را گشود به‌گونه‌ای که مقداری فروریخت و مقداری در دستش بازماند، و فرمود این همان قوام است. واژه قوام (بر وزن عوام) در لغت به معنی عدالت و استقامت و حد وسط میان دو

چیز است و قوام (بر وزن کتاب) به معنی چیزی است که مایه قیام و استقرار بوده باشد (تفسیر نمونه، ج۱۲ ص۹۷). در همین راستا قرآن کریم از افراط و تفریط در انفاق نیز نهی نموده و از عواقب ناگوار آن هشدار داده است:

وَلاَ تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَلاَ تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا (اسراء، آیه۲۹)- نه دستت را [به خسّت] به گردن خویش ببند و نه [به سخاوت] یکباره بگشای که ملامت زده و حسرت خورده بمانی.

در این آیه روی اعتدال تأکید کرده که دست خود را بر گردن خویش بسته قرار ندهید، یعنی مانند بخیلان در کمک به دیگران دست‌بسته مباش و از سوی دیگر دست خود را فوق‌العاده گشاده مدار و بذل و بخشش بی‌حساب مکن که از کار بمانی و مورد ملامت این و آن قرار نگیرید. منظور از محسور در اینجا شخص خسته و وامانده است که از رسیدن به مقصد عاجز است (نمونه، ج ۱۲، ص۹۱).

در مجموع از آیات قرآن به دست می‌آید که زیاده‌روی و تجاوز از حد شرعی و عرفی در مصرف کردن نعمت‌های الهی ممنوع است و انسان مؤمن باید از اسراف اجتناب نموده در تمام امور حتی انفاق برای مستمندان حد اعتدال و متعارف را در پیش گیرد و کاری نکند که منجر به اسراف و تبذیر شود، همچنین توجه به تفسیر الگوی قوام از زبان گویای قرآن، نشان می‌دهد که از مؤلفه‌های این الگوی قرآنی، دوری از تقتیر و خساست است. البته قرآن به‌عنوان کتاب هدایت بشر، اهداف غیراقتصادی را با اهداف و مسائل اقتصادی پیوند زده است یعنی آثار منفی و سوء اخلاقی تقتیر و اسراف را برای عبادالرحمن نمی‌پسندد.

٤. تبیین پاسخ قرآن در زمینه معمای صرفه‌جویی

پرسش این است که معمای صرفه‌جویی که در اقتصاد کلان مطرح می‌شود چطور با آموزه‌های اسلامی و قرآنی قابل پاسخگویی است؟ آنچه از آیات قرآن در این باب بهره‌برداری می‌شود این است که اگرچه قرآن کریم در آیات متعدد انسان را دعوت به صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف می‌کند اما در کنار این آیات، و به‌موازات آن‌ها انسان را امر به انفاق، هبه، زکات، صدقه، قرض‌الحسنه و نهی از کنز مال هم می‌کند. از این موارد

می‌توان به‌عنوان فعالیت‌های اقتصادی در نظام اسلامی نام برد که اولاً موجب گردش مال در اقتصاد شده و ثانیاً مانع از رکود و در نتیجه مانع از کاهش تولید می‌گردد.

٤-١. مصرف قوام؛ موجب افزایش مصرف در سطح کلان جامعه قرآنی

برای تبیین بهتر این بحث باید گفت اگرچه قرآن کریم مسلمانان را در قالب الگوی مصرف قوام به اعتدال و پرهیز از اسراف و تبذیر دعوت می‌کند اما اسلوب قرآن چنین است که در آیاتی دیگر، قرینه‌های جدا (منفصل) را نیز بیان کرده است و آن آیات مربوط به مصرف در راه خدا، قرض‌الحسنه، و بالاخره انفاق از مازاد بر نیازهای متعارف مسلمانان است به‌طوری که مصرف بیشتر کلان را تشویق می‌کند تا ضریب فزآینده [۱۱] در جامعه اسلامی، بیشتر شود؛ چون با افزایش میل نهایی به مصرف در رابطه ضریب فزآینده ((1/(1-c))، این ضریب در سایه تابع آلتوریسم مصرف جامعه، افزایش می‌یابد.

بنابراین اگرچه سیاق آیات مصرف و نیز آیات انفاق، حاکی از مصرف کمتر است اما مسئله مهم، پس‌انداز است که میل نهایی به مصرف را کاهش می‌دهد ولی اسلام با توسعه مفهومی پس‌انداز برای دارالقرار، در ذات پس‌انداز با توسعه مفهومی آن، مصرف دیگران (به‌ویژه نیازمندان) یعنی افزایش میل نهایی به مصرف در سطح کلان را به دنبال دارد.

يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ (غافر، آیه۳۹)- ای قوم من! زندگی این دنیا تنها متاع [ناچیزی] است، و آخرت است که سرای بقاست.

وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَّرَدًّا (مریم، آیه۷٦)- و خداوند بر هدایت کسانی که هدایت را پذیرفتند، می‌افزاید. و نیکی‌های ماندگار در پیشگاه پروردگارت از نظر پاداش و عاقبت بهتر است.

گر چه جمعی از مفسران خواسته‌اند مفهوم «باقیات صالحات» را در دائره خاصی مانند نمازهای پنج‌گانه، یا ذکر سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر، و امثال آن محدود کنند ولی روشن است که مفهوم این تعبیر آن‌چنان وسیع و گسترده است که هر فکر و ایده و گفتار و کردار صالح و شایسته‌ای که طبعاً باقی

می‌ماند و اثرات و برکاتش در اختیار افراد و جوامع قرار می‌گیرد را شامل می‌شود (نمونه، ج ۱۰، ص۸۵).

از سوی دیگر، آیات کنز مال یا نقدینه به شکل حرمت یا کراهه، دال بر خواست و رویکرد قرآن به گردش بیشتر اموال در جامعه است و موضع ضد انباشت و احتکار قرآن، مؤید این مطلب است.

وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلاَ يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (توبه، آیه۳٤)- و کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده.

راغب در مفردات می‌گوید: کلمه «کنز» به معنای روی هم نهادن مال و نگهداری آن است و در اصل از کنز خرما گرفته شده و زمان کنز، آن فصلی است که در آن خرما ذخیره می‌شود، و «ناقهٔ کناز» آن شتری است که گوشت بدنش روی هم انباشته شده، و به عبارت ساده‌تر چاق باشد، و «یکنزون» در جمله «والذین یکنزون الذهب والفضه» به معنای انباشتن و ذخیره کردن است. پس در همه موارد استعمال این کلمه، یک معنا نهفته است، و آن نگهداری و ذخیره مال و خودداری از این است که در میان مردم جریان پیدا کند و زیادتر شود، و انتفاع از آن عمومی‌تر گردد؛ یکی از آن با دادنش منتفع شود، و دیگری با گرفتن آن و سومی با عمل کردن روی آن.

این آیه هر چند از جهت نظم لفظی با آیات قبل که اهل کتاب را مذمت می‌کرد و احبار و رهبان ایشان را در خوردن مال مردم به باطل و جلوگیری از راه خدا توبیخ می‌نمود متصل می‌باشد، الا اینکه در لفظ و ظاهر آن هیچ دلیلی نیست که دلالت کند بر اینکه در خصوص اهل کتاب نازل شده باشد. پس نمی‌توان گفت که آیه شریفه فقط درباره اهل کتاب نازل شده و تنها احتکار پول و حبس آن را بر ایشان حرام کرده، و اما مسلمانان می‌توانند طلا و نقره‌ها را روی هم انباشته نموده و هرطور که بخواهند در اموال خود رفتار نمایند بلکه آیه شریفه عموم احتکارکنندگان را به عذاب شدیدی تهدید می‌کند، و در جمله «و لا ینفقونها فی سبیل الله» کنز و احتکار را توضیح می‌دهد و می‌فهماند آن احتکاری مبغوض خداست که مستلزم خودداری از انفاق در راه او باشد، و در مواردی که وظیفه انفاق آن مال در راه خداست، انسان را از انجام آن منع

کند. پس نهی آیه شریفه نهی از داشتن پول نیست بلکه نهی از حبس آن است، چون اسلام مالکیت اشخاص را از حیث کمیت محدود نکرده و حتی اگر شخص مفروض هزارها برابر آن دفینه ثروت می‌داشت ولی آن را حبس نمی‌کرد بلکه آن را در معرض جریان قرار می‌داد، اسلام هیچ عتابی به او نداشت. چون با جریان ثروت او، هم خود او استفاده می‌کرد و هم دیگران از آن بهره‌مند می‌شدند، و در عین اینکه در راه خدا انفاق نمی‌کرد خائن به خدا و رسول بشمار نمی‌رفت، زیرا ثروت خود را در منظر همه قرار داده بود، به‌طوری که اگر زمامدار مسلمین احتیاج ضروری پیدا می‌کرد، می‌توانست به او بگوید فلان مقدار در راه خدا انفاق کن (تفسیر المیزان، ج۱۳، ص۳۰۲). همچنین از آیات دیگر در یک تفسیر با رویکرد موضوعی می‌توان به دلالت التزامی، دوری از خساست و روی آوردن به احسان و ایثار همچون هبه و نذورات و اوقاف و... را دید که همگی از بعد سرمایه‌گذاری و بعضاً مصرف بیشتر خبر می‌دهند.

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ أَنفِقُواْ مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَ مِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُم مِّنَ الْأَرْض (بقره، آیه۲٦۷)- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از قسمت‌های پاکیزه اموالی که (از طریق تجارت) به دست آورده‌اید، و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته‌ایم (از منابع و معادن و درختان و گیاهان)، انفاق کنید!

مَّن ذَا الَّذِى يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَ اللَّهُ يَقْبِضُ وَ يَبْصُطُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُون (بقره، آیه۲٤٥)- کیست که به خدا «قرض‌الحسنه‌ای» دهد، (و از اموالی که خدا به او بخشیده، انفاق کند،) تا آن را برای او، چندین برابر کند؟ و خداوند است (که روزی بندگان را) محدود یا گسترده می‌سازد (و انفاق، هرگز باعث کمبود روزی آنها نمی‌شود). و به سوی او باز می‌گردید (و پاداش خود را خواهید گرفت).

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِم بِهَا وَ صَلِّ عَلَيْهِم (توبه، آیه ۱۰۳)- از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به‌وسیله آن پاک و پاکیزه‌شان سازی، و برایشان دعا کن.

علاوه بر نگرش آیات قرآن که در یک بسته تفسیر موضوعی، ضد این خست هستند، در بررسی سیره ائمه معصومین(ع) روایات متفاوت را نیز شاهد نیستیم. به‌عنوان مثال می‌توان به سیره امام علی (ع) اشاره نمود که کار و تلاش را برای اعم از مصرف خانوار خود می‌خواهد یعنی انفاق که زمینه مصرف دهک‌های پایین را فراهم می‌کند:

در سپیده‌دم روانه شدن هیچ یک از شما در راه خدا، گران‌مایه‌تر نیست از سپیده دم روانه شدن کسی که برای فرزندان و خاندانش، آنچه را که آن‌ها را سامان بخشد، می‌جوید (دانشنامه امام علی، ص۲۳٤، بند ۱٤٤٦) یا در گزارش صدقه‌های امیرالمؤمنین آمده است: با دستانش کار می‌کرد، زمین را می‌کاشت، آبیاری می‌کرد، درخت خرما می‌کاشت، و همه این‌ها را شخصاً خود انجام می‌داد (دانشنامه امام علی، ص۲۳٤، بند ۱٤٥۲).

افزون بر این، وقتی زکات به فقیران داده شود، به این معناست که بخشی از پس‌انداز ثروتمندان به فقیران داده شده است و چون میل نهایی به مصرف فقیران بیش از ثروتمندان است در نتیجه مصرف کل افزایش خواهد یافت (Iqbal, 1985, p.92). بدین ترتیب می‌توان گفت مصرف کل در جامعه اسلامی به دلیل وجود فرهنگ اعتدال در مصرف و عدم اسراف و نیز به دلیل حرام بودن برخی کالاها و در نتیجه کوچک‌تر بودن سبد کالای مصرفی فرد مسلمان، از مصرف کل در یک جامعه غیر اسلامی بیشتر است. همه این فضاها در آیات و روایات در کنار الگوی قوام در مصرف شخصی بر توسعه کلان ثروت در جامعه اسلامی تأکید دارد. بنابراین می‌توان گفت، اگرچه صرفه‌جویی در سطح فردی مطابق تناقض خست که در اقتصاد کلان عنوان می‌شود منجر به کاهش درآمد ملی می‌شود اما قرآن کریم سازوکارهایی جهت گردش مال و عدم راکد ماندن آن در جامعه و در نتیجه گسترش مصرف کل نیز ارائه کرده است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به انفاق، زکات، صدقه و قرض‌الحسنه اشاره کرد (احمد، ۱۳۷٤، ص٥۱). بدون شک اگر پس‌اندازهای فردی در موارد نامبرده شده مصروف گردند، نه تنها صرفه‌جویی در سطح فردی منجر به کاهش تولید در سطح کلان نمی‌شود بلکه منجر به افزایش درآمد ملی نیز خواهد گردید.

٤-۲. نقض فرض اساسی معمای خست در رفتار اقتصادی کلان جامعه اسلامی

یکی از فروض اساسی معمای خست در اقتصاد کلان، تابع بودن سرمایه‌گذاری کل از درآمد ملی است. اما بر اساس آموزه‌های قرآن کریم که نوعی گسترش مفهومی برای عبارت سرمایه‌گذاری قائل می‌باشد، این فرض دچار تغییر جدی می‌شود. توضیح این

مطلب آن که از منظر قرآن، بازدهی سرمایه‌گذاری محدود به این دنیا نیست و با این اعتقاد که مسلمانان، زندگی جاویدی را در سرای آخرت ادامه خواهند داد و توشه آن زندگی، پاداش و حاصل اعمال نیک در این دنیا می‌باشد، در این صورت بخشی از بازدهی سرمایه‌گذاری در این دنیا برای مسلمانان، در جهان دیگر به دست می‌آید. از سوی دیگر برخی رفتارهای اقتصادی همچون اقدام مسلمانان به قرض‌الحسنه، در منطق قرآن، یک نوع خدمات مالی تلفیق نشده بلکه نوعی تولید بوده که محصول و پاداش آن، بیش از ۷۰۰ برابر در جهان آخرت، عاید مسلمان می‌شود. در نتیجه هم مفهوم سرمایه‌گذاری و هم مفهوم بازدهی آن در فرهنگ اقتصادی قرآن، متفاوت از فرهنگ اقتصاد متعارف می‌باشد. در این صورت، سرمایه‌گذاری در مفهومی قرآنی حتی در سطح کلان، همواره و بدون وابستگی به درآمد ملی، در حال انجام خواهد بود و گرچه با افزایش درآمد ملی، می‌تواند رشد بیشتری یابد ولی لزوماً تابع آن نیست و از جهت عدم تحقق فرض «وابستگی سرمایه‌گذاری و پس‌انداز به درآمد ملی» در جامعه اسلامی، معمای خست از منظر قرآن، اتفاق نمی‌افتد.

قرآن، چارچوب نظری- ارزشی نظریه مصرف‌کننده مسلمان را در آیاتی چند تبیین می‌کند و حدودی کلی را به‌عنوان الگو و چارچوب برای مصرف معین می‌دارد که می‌تواند بر تخصیص درآمد او بین مصرف و پس‌انداز یا انفاق (چه به معنای مطلق هزینه کردن و چه به معنای اصطلاحی آن یعنی صدقه و کمک بدون عوض به نیازمندان) و سرمایه‌گذاری اثرگذار باشد و آن الگوی قرآنی قوام «وکان بین ذلک قواماً – فرقان:٦٧) می‌باشد.

٤-۳. توجه به عدالت بین نسلی در نظریه قرآنی مصرف قوام و عدم وقوع تناقض خست

اسلام با طرح نظریه مصرف قوام، حتی به عدالت بین نسلی نیز توجه دارد چون مصرف بیش از حد قوام به‌وسیله نسل حاضر، به معنی کاهش میزان پس‌انداز و در نتیجه سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی کمتر برای نسل آینده است که عدالت بین نسلی را از بین می‌برد. یکی از نتایج مصرف قوام که با معمای خست در ادبیات اقتصاد کلان ارتباط دارد، پرهیز از مصرف زیاد و پس‌انداز اندک و پرهیز از پس‌انداز زیاد و مصرف

اندک می‌باشد که این دو حالت حدی افراط و تفریط، خروج از الگوی مصرف قوام می‌باشند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت در یک جامعه اسلامی ازآنجاکه دو حالت زیر اتفاق نمی‌افتد شاهد تناقض خست نخواهیم بود: الف. مصرف بیش از حد نسل حاضر؛ چرا که مخالف با عدالت بین نسلی است و از آن نهی شده است و ب. مصرف بسیار کم که باز، تولید و... را برای حال و آینده کاهش می‌دهد. بنابراین عمل به نظریه مصرف‌کننده مسلمان بر مبنای الگوی رفتاری مصرف قوام، زمینه‌ای برای تحقق معمای خست باقی نمی‌گذارد. چون فرد و جامعه، رفتاری خارج از الگوی مصرف قوام نخواهند داشت تا با چشم‌پوشی افراطی از مصرف (چه به‌وسیلهٔ خانوار خود و چه انفاق به خانوارهایی که زیر خط فقر بوده و قدرت خرید کافی برای مصرف حداقل معیشت ندارند) و روی آوردن به پس‌انداز، شاهد تحقق معمای خست و کاهش تولید ناخالص ملی در جامعه اسلامی باشیم.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این نوشتار معمای صرفه‌جویی در ادبیات اقتصاد متعارف تبیین گردید. اگر مردم، پس‌انداز بیشتری داشته باشند، مصرف آن‌ها کاهش و در نتیجه تقاضای کل و نهایتاً تولید و درآمد ملی کاهش می‌یابد و ازآنجاکه پس‌انداز، تابع درآمد ملی است منجر به کاهش پس‌انداز حتی کمتر از مقدار اولیه آن می‌شود. پرسش اصلی این است که اگر صرفه‌جویی در سطح آحاد جامعه مانع از رشد در سطح ملی می‌گردد، پس چرا قرآن کریم به‌صورت مؤکد بر صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف امر می‌کند؟ در ادامه پس از بررسی آیات اقتصادی قرآن در زمینه تحقق معمای خست در جامعه قرآنی نتایج زیر به دست آمد:

۱. تفسیر موضوعی آیات مربوط به مصرف نشان می‌دهد که خداوند مصرف در سطح فردی و اجتماعی را در چارچوبی همچون تصرف در رزق حلال و طیب و به دور از اسراف و تبذیر می‌خواهد.

۲. آیات قرآن و فرهنگ روایی در زمینه پرهیز از اسراف و تقتیر و تخصیص بهینه منابع برای خانوارها و به کارگیری نهاده‌های تولید از سوی بنگاه‌ها به «الگوی مصرف قوام» تصریح کرده‌اند.

۳. روح حاکم بر آموزه‌های اقتصادی اسلام در حوزه مصرف مشوق میل نهایی به مصرف در سطح کلان است. به‌عنوان مثال انفاق از مازاد بر نیازهای متعارف مسلمانان، مصرف بیشتر کلان را تشویق می‌کند تا ضریب فزاینده در جامعه اسلامی، بیشتر شود چون با افزایش میل نهایی به مصرف در رابطه ضریب فزاینده، این ضریب در سایه تابع آلتوریسم مصرف جامعه، افزایش می‌یابد.

٤. اگرچه قرآن کریم انسان را به صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف امر می‌کند اما همزمان او را به انفاق، زکات، صدقه، قرض‌الحسنه و دیگر راهکارهای گردش مال در جامعه امر می‌کند. طبیعی است که التزام به این دستورات قرآن، مانع از رکود اقتصاد خواهد شد.

۵. دستور قرآن به قناعت و مصرف قوام در کنار امر به انفاق مازاد بر نیاز فرد مسلمان موجب افزایش مصرف در سطح کلان می‌شود. در نتیجه فرضیه این پژوهش مبنی بر «در چارچوب آموزه‌های قرآن کریم، معمای خست در جامعه اسلامی تحقق نمی‌یابد»، تأیید گردید.

٦. سرمایه‌گذاری در مفهومی قرآنی حتی در سطح کلان، همواره و بدون وابستگی به درآمد ملی، در حال انجام خواهد بود و لزوماً تابع آن نیست و از جهت خدشه در فرض «وابستگی سرمایه‌گذاری و پس‌انداز به درآمد ملی» در جامعه اسلامی، معمای خست از منظر قرآن، اتفاق نمی‌افتد.

۷. در جامعه اسلامی ازآنجاکه دو حالت زیر اتفاق نمی‌افتد شاهد تناقض خست نخواهیم بود: الف. مصرف بیش از حد نسل حاضر؛ چرا که مخالف با عدالت بین نسلی است و از آن نهی شده است و ب. مصرف بسیار کم که باز، تولید و رشد اقتصادی را برای حال و آینده کاهش می‌دهد. و با عنوان تقتیر از آن نهی شده است. بنابراین عمل به نظریه مصرف‌کننده مسلمان بر مبنای الگوی رفتاری مصرف قوام، زمینه‌ای برای تحقق معمای خست باقی نمی‌گذارد.

یادداشت‌ها

1. Altruistic Utility Functions
2. Positive economics
3. Normative economics
4. Paradox of thrift

۵. این خطا را در منطق، خطای ترکیب (Fallacy of Composition) گویند.

6. Great Depression
7. Marginal productivity
8. Trade-off
9. Realism lost
10. Clarity gained
11 Multiplier

کتابنامه

قرآن کریم

ابن‌منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱٤۰۵)، *لسان‌العرب*، قم: نشر ادب الحوزه.

احمد، خورشید (۱۳۷٤)، *مطالعاتی در اقتصاد اسلامی*، ترجمه محمدجواد مهدوی، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.

بناء رضوی، مهدی (۱۳٦۷)، *طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.

پل ساموئلسن و ویلیام فوردهاوس (۱۳۷۳)، *اقتصاد*، ترجمه علیرضا نوروزی و ابراهیم جهان‌دوست، تهران: مترجمان، چاپ اول، جلد اول.

خادم علیزاده، امیر (۱۳۹۲)، *تفسیر موضوعی قرآن کریم با رویکرد اقتصادی*، تهران: نشر معارف.

حسینی، سید رضا (۱۳۸۸)، «الگوی مطلوب مصرف در چارچوب الگوی تخصیص درآمد اسلامی»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۳٤، صص ۷-۳۸.

دنیا، احمدشوقی، (۱۳۸۹)، *برداشت‌های اقتصادی از قرآن کریم*، ترجمه محمد صفری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

رشاد، علی‌اکبر (۱۳۸۷)، *دانشنامه امام علی(ع)*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳ جلد.

سیدی‌نیا، سید اکبر (۱۳۸۸)، «مصرف و مصرف‌گرایی از منظر اسلام و جامعه‌شناسی اقتصادی»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۳٤، صص ۱۵۱-۱۷۸.

طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷٤)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، ابو علی الفضل ابن الحسن (۱۳٦۰)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه مترجمان، تهران: انتشارات فراهانی.

طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، تحقیق سید احمد حسینی، تهران: مرتضوی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۱)، *تفسیر نمونه*، دار الکتاب الاسلامیه، چاپ ٤۲، ۲۷ جلد.

نمازی، حسین، (۱۳۸۲)، *نظام‌های اقتصادی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.

Boyes, William J., Melvin, Michael (2012), *Macroeconomics. United State of America: South Western Cengage Learning*, Ninth Edition.

Branson, William H. (1979), *Macroeconomic theory and policy*, United State of America: Harper & Row, Publishers, Second Edition.

Clifford F. Thies (1996), "Paradox of Thrift", *Cato Journal*, vol. 16. No. 1.

Corden, W. M. (2013), "Global imbalances and the paradox of thrift", *Oxford Review of Economic Policy*, 28(3), pp. 431-443.

Fahim Khan (1984), M. "Macro Consumption Function in an Islamic Framework", *J. Res. Islamic Econ.*, Vol. 1, No. 2, pp. 3-25.

Huo, Zhen and Ríos-Rull, José-Víctor (2013), "Paradox of Thrift Recessions", *National Bureau of Economic Research* (NBER) Working Paper No. 19443, Available at: http://www.nber.org/papers/w19443

Iqbal, Muhammad Mazhar (2012), "Inclusive Growth With Zakat ", *30th Annual General Meeting and Conference of the Pakistan Society for Development Economics*.

Iqbal, Munawar (1985), "Zakah, Moderation and Aggregate Consumption in an Islamic Economy", *JKAU: Islamic Econ.*, Vol. 2, pp. 91-100.

Krugman, Paul (2009), "The Paradox of Thrift", *New York Times*, July 7.

Mennuni, A. (2013), *The role of curvature in the transformation frontier for measuring technology and saving shocks*, Max Weber Programme, European university press, pp. 2-35.

Islamic Finance Researches, Vol. 3, No.1 (Serial 5), Autumn 2013 &Winter 2014

The Analysis of Thrift Paradox from the Perspective of the Holy Quran

Amir Khadem Alizadeh[*]
Mohammad Safari[**]

Received: *07/07/2014*
Accepted: *21/04/2015*

An important economic indicator in each community is the proper ratio between production and consumption. Meanwhile, one of the principles of conventional economics is the paradox of thrift, especially when we recognize the different aspects of conventional and Islamic economy. Based on this principle, there is the notion that individual savings rather than spending can worsen a recession, or that individual saving is collectively harmful. In other words, when saving exceeds spending, it can create harmful consequences such as when businesses don't earn as much and have to lay off employees who are then unable to save. Therefore, an increase in individual saving rate is believed to create a flattening or diminishing of the total saving rate. This is exactly where the challenge and paradox of thrift is raised.

This paper, through an analytical-descriptive method studies the Quranic teachings in the field of consumption and seeks the answer to the problem. The findings of this study demonstrate optimum consumption as "a model for optimal allocation of resources" and encourage "the increase of consumption in macro-level, for the marginal propensity to consume". This happens as a result of charity and contribution measures in the form of *zakat*, *khums*, credit unions, etc. for shifting savings to investment and consequently creating financial flows in the economy.

Keywords: Consumption, Quran, Paradox of Thrift, Islamic Economics.

JEL Classification: D11, E21, M39, Z12, Z13

[*]Associate Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabatabaei University, aalizadeh@atu.ac.ir
[**] Ph.D. Student in Finance at Imam Sadiq University, (Corresponding Author), m.safari@isu.ac.ir